

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال سیزدهم - شماره یازدهم - بهمن ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۷

نگاهی به انیس الاطباء ابوالخیر فارسی و سبک‌شناسی آن

(ص ۱۲۹-۱۱۳)

سید مرتضی طاهری برزکی<sup>۲</sup>، عطا محمد رادمنش<sup>۳</sup> (نویسنده مسئول)،

سید مهدی نوریان<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۹۶ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: شهریور ۹۸

#### چکیده:

انیس الاطباء اثر ابوالخیر محمد تقی بن محمد فارسی، کتابی است در موضوع طب از قرن دهم هجری که مشتمل بر سه بخش شامل دو صحیفه و یک گفتار است. صحیفه اول در «علم نظری» شامل هفده قول، صحیفه دوم در «علم عملی» شامل سی و چهار باب و بخش سوم «گفتاری در قراپادین مفرده و مرکبه» است. مؤلف در این کتاب اسامی بعضی از اطباء را آورده و از ایشان نقل قول نموده است که از حیث شناسایی برخی پزشکان هم عصرش بسیار حائز اهمیت است. این کتاب از نظر پزشکی نیز یک دوره کامل طب بالینی بر اساس دانش پیشینیان و تجارب خود مؤلف را در اختیار پژوهشگران قرار میدهد. همچنین این کتاب مشتمل بر روشهای درمانی و تجویز داروها و مجربات مؤلف است که میتواند در طب سنتی و پزشکی سودمند باشد. مطالب این نسخه از جهت علمی، میتواند کمک بسیار زیادی به طب سنتی بکند. معرفی این نسخه به شناخت بیشتر متون نثر علمی در دوره صفویه کمک میکند.

مقاله حاضر علاوه بر پرداختن به زندگی و احوال ابوالخیر فارسی و شناخت انیس الاطباء مختصات زبانی و رسم الخط نسخه را معرفی میکند.

**کلید واژها:** تقی الدین ابوالخیر فارسی، انیس الاطباء، طب نظری، طب عملی، قراپادین، سبک‌شناسی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
(s\_mortezataheri@shu.iaun.ac.ir)

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
(radmanesh@phu.iaun.ac.ir)

۴- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
(mnourian@phu.iaun.ac.ir)

### Persian Anis al-Atteba Abu al-Khair and its Stylistics

Seyyed Morteza TaheriBarzoki<sup>1</sup>, Ata Mohammad Radmanesh<sup>2</sup>  
(correspondent author), Sayyed Mehdi Norian

#### Abstract

Anis al-Atteba, penned by Abu al-Khair Mohammad Taqi Ibn Mohammed Farsi, is a book on medicine in the tenth century which consists of three parts including two scriptures and a speech. The first scripture includes seventeen statements in “theoretical science”, and the second scripture includes thirty-four chapters in “practical science”. The third part is Qrabadynmufradah and murakabah (a pharmacopoeia about the knowledge of the nature and properties of single and compound drugs). This book also provides a full course of clinical medicine for researcher, based on ancient knowledge and author’s experience. In addition, this book consists of therapies and drugs as well as author’s experiences which can be useful in traditional medicine and medicine itself.

This paper may provide scientific aids for the traditional medicine and also helps to know more about scientific prose texts of Safavid period. In addition to writing about the life and circumstances of Abu al-Khair Farsi and recognizing Anis al-Atteba, this paper also introduces available manuscripts about this book.

**Key words:** Din Abu al-Khair, Anis al-Atteba, theoretical medicine, practical medicine, Qrabadyn (pharmacopoeia), Stylistics

---

1- PhD student of Persian language and literature, NajafAbad branch, Islamic Azad University, NajafAbad, Iran (s\_mortezataheri@yahoo.com)

<sup>2</sup> Professor of Persian Language and Literature, NajafAbad Branch, Islamic Azad University, NajafAbad, Iran (radmanesh@phu.iaun.ac.ir)

**مقدمه:**

انیس الاطباء اثر تقی الدین محمد بن محمد (د بعد از ۹۵۷ ق / ۱۵۵۰ م) ریاضیدان، منجم، عالم به پزشکی و طب، ادیب و شاعر ایرانی (متخلص به فهمی) قرن دهم هجری قمری است که تا کنون این نسخه تصحیح نشده است. این نسخه، کتابی است مفصل در اصول و قواعد پزشکی در سه بخش: که دو بخش اول با عنوان صحیفه و بخش سوم با عنوان گفتار مشخص شده است. **صحیفه اول** در طب نظری که در آن به مباحث کلی طبّی و تعاریف جهات مختلف آن پرداخته و آن را در هفده قول گنجانده است. **صحیفه دوم** در طب عملی که مشتمل بر روشهای درمانی و تجویز داروها و مجربات خویش پرداخته و بعبارتی یک دوره کامل طب بالینی بر اساس دانش پیشینیان و تجارب خود مؤلف و شامل سی و چهار باب است. **بخش سوم** با عنوان گفتاری در ادویه است که بر اساس ترتیب الفبا داروهای مفرد و مرکب را ذکر میکند.

درباره اهمیت پرداختن به این موضوع و تصحیح این نسخه ذکر این نکته ضروری است که مؤلف در این کتاب اسامی بعضی از اطباء را آورده و از ایشان نقل قول نموده است که از حیث شناسایی برخی پزشکان معاصر خویش بسیار حائز اهمیت است. معرفی این نسخه علاوه بر اینکه یک کتاب پزشکی را به جامعه معرفی میکند از جهت شناخت تاریخ تطور نثر علمی فارسی نیز کمک میکند.

این کتاب از نظر پزشکی نیز یک دوره کامل طب بالینی بر اساس دانش پیشینیان و تجارب خود مؤلف را در اختیار پژوهشگران قرار میدهد. همچنین این کتاب مشتمل بر روشهای درمانی و تجویز داروها و مجربات مؤلف است که میتواند در طب سنتی و پزشکی سودمند باشد.

ضرورت پژوهش و تصحیح این نسخه خطی بشدت احساس میشود؛ زیرا اولاً به شناخت بیشتر درباره تاریخ تطور نثر فارسی علمی کمک میکند و دیگر اینکه مورخان را جهت بررسی تاریخ علم و بخصوص تاریخ علم طب پزشکی یاری مینماید.

این کتاب تاکنون تصحیح و چاپ نشده است و اصولاً هیچ گونه تحقیقی در خصوص این نسخه صورت نگرفته است، لازم به یادآوری است نسخه انیس الاطباء در کتابخانه مجلس، هنوز فهرست نیز نشده است. در مورد زندگی و احوال تقی الدین فارسی در تذکره‌ها مطلبی ذکر نشده است. همچنین دو اثر تقی الدین فارسی با نام آداب السلطنه و حل التقویم چاپ شده است. ولی دیگر آثار وی، تصحیح نشده اند. لذا از لحاظ جدید بودن و نوآوری دارای اهمیت بالایی است. در ابتدا برای آشنایی با ابوالخیر فارسی مؤلف انیس الاطباء شرح مختصر احوال وی و آثارش ذکر میشود و سپس مختصات این رساله بیان میشود.

۱. احوال ابوالخیر فارسی<sup>۱</sup>:

ابوالخیر محمد تقی بن محمد فارسی (د بعد از ۹۵۷ ق/ ۱۵۵۰ م) ریاضیدان، منجم، عالم به پزشکی و طب، فیلسوف، ادیب و شاعر ایرانی «متخلص به فهمی» قرن دهم هجری قمری است. در بیشتر منابع نام وی ابوالخیر محمد تقی بن محمد فارسی آمده است. (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه، دانش پژوه، ۸۳۰/۳؛ اعیان الشیعه، امین: ۴۰۶؛ الذریعه الی التصانیف الشیعه، آقا بزرگ: ۲۹۱/۱؛ همان: ۱۸۹/۲؛ همان: ۶۷/۷) بعضی نیز ضمن اشاره بنام کامل وی او را «تقی الدین فارسی» معرفی کرده اند (ریحانه الادب، مدرس تبریزی، ۲۰/۷). وی در آثارش نام خود را «ابوالخیر محمد التقی الفارسی» ذکر کرده است (نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، افشار: ۳۱/۱۷؛ تاریخ نظم و نثر ایران، نفیسی: ۹۴/۱) نام او را محمد بن محمد فارسی ملقب به «تقی الدین» و مکنی به «ابوالخیر» دانسته اند. از تاریخ دقیق ولادت و زادگاهش وی اطلاع کافی در دست نیست و درباره زندگی و احوال وی در تذکره‌ها چیزی ذکر نشده است. مدتی در شیراز زندگی میکرد (همان: ۳۸۶/۱) از اینرو وی را فارسی شیرازی، طبیب شیرازی و ابوالخیر شیرازی نیز نامیده اند. (فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، حائری: ۲۸۶/۱۹؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه، دانش پژوه: ۱۴۷/۱۶؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، آدمیت: ۹۶/۱). حکمت را نزد «میر صدر الدین محمد دشتکی» مقتول: ۹۰۳ ق (الذریعه الی التصانیف الشیعه، آقابزرگ: ۹/۲-۱۰؛ همو: ۸۱-۸۲) و نجوم را نزد پسر میر صدر الدین محمد، یعنی «غیاث الدین منصور حسینی دشتکی» (د ۹۴۸ ق) فرا گرفت. (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه، دانش پژوه: ۸۳۰/۳؛ نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، افشار: ۲۷/۱۷) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع، فاضل: ۳/۱۵۵۲؛ ابوالخیر فارسی، طالع نامه، ۲ پ. وی در بسیار از آثار خود از ائمه اطهار (ع) با احترام و عنایت خاصی یاد کرده است و فهرست نویسان کتب شیعه، او را شیعه دانسته‌اند (الذریعه الی التصانیف الشیعه، آقا بزرگ: ۵۰۸/۴؛ اعیان الشیعه، امین: ۴۰۶/۹). ضمناً خود وی نیز در دیباچه رساله حل التقویم نیز ارادت خود را به پیامبر (ص) و آل وی بیان میکند. (نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، افشار، ۲۷/۱۷).

تقی الدین شعر نیز میسروده است و در شعر «فهمی» تخلص میکرده است، چنانچه خود در صفحه چهار رساله در معرفت اسطرلاب میگوید "مولف این رساله که در صنعت شعر به فهمی اشتها دارد" (فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس، عرفانیان، ۱۰/۲۱۷-۲۱۶؛ همان، ۳۶۷/۱۲) نمونه‌های اشعار وی در برخی کتابهایش وجود دارد (فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، حائری: ۳۴۷/۱۹، ۳۸۶؛ فهرس المخطوطات

۱- نک دایره المعارف بزرگ فارسی، ج ۵ ذیل مدخل ابوالخیر فارسی

الفارسیه، مبشر طرازی: ۱ / ۲۴۲؛ نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، افشار، ۵۸، ۳۰، ۶۳) از تاریخ فوت وی اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما با توجه به اینکه وی در اسامی العلوم خود از «علامه خفّری» (د ۹۵۷ ق) با عبارت «مترحمّاً علیه» یاد میکند (الذریعه الی التصانیف الشیعه، آقا بزرگ: ۹/۲) میتوان نتیجه گرفت که تا سال ۹۵۷ ق زنده بوده است و اینکه نفیسی (تاریخ نظم و نثر فارسی: ۱ / ۳۸۶) و فاروقی (آداب السلطنه: ۴۱) تاریخ کتابت مختصر العلوم وی را (۹۷۹ ق) سال تالیف این کتاب دانسته اند، درست نیست. (فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، حائری: ۴ / ۴۱۷) ابوالخیر فارسی دارای آثار زیادی به زبان فارسی و عربی بوده که فقط دو رساله وی با نامهای آداب السلطنه (پهلوان: ۳۰۷-۳۲۵) و حل التّقیوم (نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، افشار، ۲۷/۱۷-۸۰) چاپ شده و پانزده اثر دیگر وی بصورت نسخه خطی هستند که هنوز تصحیح نشده اند و شش اثر دیگر وی نیز تا کنون یافت نشده است.

بیشترین آثار وی در زمینه ریاضی و ستاره شناسی است که در آنها آرای چند دانشمند پیش از خود را نقد کرده است.

## ۲. درباره کتاب انیس الاطبا

۱-۲. معرفی کتاب: انیس الاطباء کتابی است در موضوع طب و شامل سه بخش. بخش اول و دوم با عنوان «صحیفه نظری» و «صحیفه عملی» میباشد که در چهار نسخه از این کتاب وجود دارد. صحیفه اول دارای هفده قول و صحیفه دوم شامل سی و چهار باب است. همچنین بخش سوم کتاب شامل گفتاری در ادویه تحت عنوان «قربادین مفرده و مرکبه» است که فقط در دو نسخه وجود دارد. درباره این کتاب پنج نسخه بشرح ذیل وجود دارد که در ادامه مقاله بیشتر معرفی میشود.

۲-۲ شروع کتاب: «حمد نامحدود قادری حکیم را سزاوار است که مصوّر صنعش از ترکیب اجسام متخالفه و کیفیات متضاده، هیکل مطبوع انسان را با حسن صورتی تصویر نمود. و شکر نامعدود مالک الملکی کریم را لایق است .....» (( نسخه مسجد اعظم قم- شم ۲۴۷۳، ۱))

سپس در ادامه به مدح پیامبر اکرم(ص) میپردازد: «فحمداً له ثم حمد له و صلوه و سلام بر اعدل و اکمل افراد نوع انسان طیب نفوس و مسیح امراض و علل عصیان آن که قانون شرع شریفش منتج نجات ازلی و اغراض دین منفس ذخیره حیات لم یزلی است. اعنی مهر سپهر اصطفی و بدر فلک ارتضا محمد المصطفی و علی [صحابه] المرتضی و برآل و بر اولاد او باد.» (همان)

۳-۲ در سبب تالیف کتاب: در ادامه مؤلف ضمن بیان نام خود و کتاب، سبب تالیف انیس الاطباء را اینگونه بیان میکند: «و بعد چون فقیر غنی ابوالخیر محمد بن محمد الفارسی در

تحصیل مسائل کثیر الفواید طب بقدر مقدور سعی کرده بود و معلومات این فن شریف از آلسنه حکمای کبار و اطبای روزگار و از کتبی که در این صنعت اشتها داشت، استفاده نموده به استدعای بعضی از آنچه در محزون خاطر و در خیال حاضر [مکنون] بود در قید تحریر در آورد و آن را به انیس الاطباء موسوم ساخت...» (همان)

۴-۲. **آغاز کتاب:** «آغاز رساله، در اشاره به بعضی از روش ثمانیه و طب بدان ایدک الله تعالی و اسعدک فی الآخرت و الاولی که طب قانونی است کامل در حفظ صحت و دفع مرض و فواید کریمه و منافع عمیمه این علم بر طبایع سلیمه مخفی و محجوب نیست...» (همان).

مؤلف، پس از حمد و ثنای خداوند و مدح پیامبر اکرم (ص) و همچنین ذکر سبب تالیف کتاب و بیان مقدمه‌ای در آغاز رساله، وارد مبحث اصلی کتاب میشود و بخش نخست کتاب را تحت عنوان «صحیفه عملی» شروع میکند که در ادامه به اختصار این صحیفه معرفی میگردد.

#### ۵-۲. **صحیفه اول، در طب نظری** (شامل هفده قول):

صحیفه اول با عنوان «صحیفه نظری» دارای هفده قول است و هر قول خود شامل چندین فصل است و بعضی از فصول نیز جداگانه دارای چندین باب میباشند. صحیفه اول این کتاب در علم نظری است که مؤلف آن را اینگونه بیان کرده است: «اما نظری علم است به صحت و مرض و به اسباب هر یک [که چه چیز است و چند است] و علم است به ارواح و اعضا و قوا و اخلاط که قابل صحت و مرضند و علم است [به چیزهای سودمند و چیزهایی زیان‌کار]» (همان، ۲).

#### ۶-۲. **صحیفه دوم در طب عملی** (شامل سی و چهار باب)

صحیفه دوم با عنوان «صحیفه عملی» است که شامل سی و دو باب است که مؤلف درباره آن چنین آورده است: «اما عملی علم است به آن که صحت را چگونه نگاه باید داشت و مرض را به چه تدبیر باید دفع کرد و چیزهای سودمند به چه دستور و چه وقت کار باید فرمود» (همان، ۲)

این صحیفه با گفتاری در شانزده تدبیر و یک قول در معالجات امراض راس شروع میشود و در ادامه سرفصلها، با عنوان «باب» مشخص شده است که هر باب خود شامل چندین فصل میباشد.

#### ۷-۲. **گفتار در اقربادین و ما يتعلق به**

رساله ای کوتاه در مباحث و اصول پزشکی قدیمی و بدون تقسیم بندی خاص دارای مباحث ذیل است:

اوزان مستعمله طبی، اقراص، نقوعات و مطبوعات، حبوب مسهله، اشربه، لعوقات، معاجین، مربیات مفرحات، روغنها، سمومات و خاتمه در منافع و مضار طعامها و شرابها و لباسها

**آغاز:** گفتار در اقبادین ما يتعلق به؛ فصل: در اوزان مستعمله در طب، قیراط چهار شیر است و دانق سه قیراط است و دانق سه قیراط است و درهم چهار دانق است و مثقال درهمی است و نصف و سه حبه و حبه شعیره است.

#### ۸-۲. انیس الاطبا در یک نگاه:

- مؤلف در این کتاب اسامی بعضی از اطباء را آورده و از ایشان نقل قول نموده است که از حیث شناسایی برخی پزشکان معاصر خویش بسیار حائز اهمیت است.  
- تصحیح این نسخه به شناخت بیشتر متون نثر علمی در دوره صفویه کمک میکند. نهایتاً اینکه تصحیح انیس الاطبا یک متن ادبی، پزشکی را به جامعه معرفی میکند.  
- این نسخه از نظر پزشکی نیز یک دوره کامل طب بالینی بر اساس دانش پیشینیان و تجارب خود مؤلف را در اختیار پژوهشگران قرار میدهد.  
- این کتاب مشتمل بر روشهای درمانی و تجویز داروها و مجربات مؤلف است که میتواند در طب سنتی و پزشکی سودمند باشد.

- در نگاه اول به نسخه این گونه برداشت میشود که انیس الاطبا دارای دو بخش با نام صحیفه عملی و صحیفه نظری است و کما اینکه در دو نسخه مجلس بخش سوم وجود ندارد. اما با مقایسه پایان بخش دوم کتاب در نسخه نسخت که ذیلاً معرفی خواهد شد و مطابقت آن با نسخه دوم متوجه میشویم که بخش سوم این کتاب در نسخه دوم میباشد که ۱۱۱ برگ است و تقریباً یک سوم از کل کتاب است که با عنوان گفتاری در ادویه و همچنین قرابادین مشخص شده است که در هیچ فهرست نگاری به این موضوع بسیار مهم اشاره نکرده است.

#### انیس الاطباء در قیاس با آثار همطرازش

در قرن دهم هجری که تقریباً بین سنوات ۹۰۱ الی ۱۰۰۰ق. را شامل می‌شود، دوره حکومت صفویان در ایران، شیانیان در ترکستان، عثمانی بر غرب جهان اسلام و گورکانیان بر هندوستان بود. دوره‌ای که در ایران و هند و به ندرت در عثمانی آثار علمی و ادبی به زبان فارسی نوشته می‌شدند.

یکی از هم‌روزگاران ابوالخیر فارسی، بهاءالدوله رازی (د. ۹۱۲ق.) بود که کتابی بسیار ارزشمند در طب به فارسی نوشت با عنوان خلاصه‌التجارب، که ساختار بسیار نزدیکی به انیس الاطبا دارد. بر آن شدیم تا در این بخش از رساله، برای نشان دادن غنای زبانی و سبکی، این دو اثر همطراز و هم‌روزگار را به ترازوی قیاس نهیم و مواردی چند از آن را

بررسی کنیم.

اطلاعات جامع ابوالخیر در باب معالجات بالینی نمی‌تواند تقلید باشد. گویا خود درگیر طبابت نیز بوده است. در بخش انواع سرفه، ابوالخیر به توضیح یک سرفه مسری و خطرناک می‌پردازد و به احتمال زیاد سیاه سرفه است. این در حالی است که نخستین اثر منتشر شده دربارهٔ سیاه سرفه در اروپا به سال ۱۶۷۴م. / ۱۰۸۲ق. بر می‌گردد که توسط ویلیز انجام گرفت. ابوالخیر گوید: «باید دانست که آنچه از سینه برآید سلیم تر بود از آنچه از شش برآید و آنچه از شش از آماس خونی برآید بدان خطرناکی نبود که از قرحهٔ شش برآید؛ و اگر کسی را از شش خون برآید بیم باشد که ریش‌گردد؛ و اگر برآید و بایستد و باز برآید، علامت آن بود که قرحه شده باشد. علاج طریق بازداشتن خون رگ زدن است و ماده را به جانب سفلی کشیدن و مزاج عضو به اعتدال باز آوردن و داروهایی که خون باز دارد باید داد...» [۱۱۴ر] سپس به تجویز چند نسخهٔ دارویی برای آن می‌پردازد. هرچند همین بحث در خلاصه التجارب رازی بازتر شده و موجود است.

گذشته از آن، از ویژگی‌های محتوایی این دو اثر تکیه و تأکید هر دو دانشمند به اصحاب تجربه است. ابوالخیر در جای جای کتاب و بهاءالدوله در ابتدای باب دوم کتاب خود، از تمایل و گرایش به جانب تجربه‌گرایان یاد کرده و مؤکداً طب را و اصل معالجات را «تجربه» می‌دانند.

انیس الاطباء	خلاصه التجارب
اما در این زمانه تجربه معلوم گشته که در فارس و عراق حموضات مطلقاً در حصه مناسب نیست [۱۶۸پ]	و بعد آن در عراق و فارس و غیره [حصه] منتشر گشت و اکثر مردم در این ممالک و غیرها برآوردند (ص ۲۸۲)
و اطبا به کثرت تجربه معلوم کرده اند... [۶۶ر]	بدان که در طب اصل جمیع معالجات تجربه است، پس در حفظ صحت نیز تتبع و تجربه بهتر و معتمدتر بود از باقی استدلالات (ص ۶۷)
به تجربه معلوم است که از ضعف و سستی که از جماع حاصل می‌شود به مراتب بیشتر از آن است که از بیرون کردن خون از بدن پدید می‌آید [۷۱پ]	و به تجربه معلوم شده که جماع مضر بود معتاد و غیر معتاد را در زمان خون بیرون کردن از بدن (ص ۷۰)

در کتاب خلاصه التجارب می‌بینیم که بهاءالدوله رازی دوازده بار از بقراط، سی و هفت بار از جالینوس، ده بار از زکریای رازی، بیست و هفت بار از ابن سینا، و غیره نقل قول نموده است. این در حالی است که ابوالخیر فارسی‌نُه بار از بقراط، بیست بار از جالینوس، یک بار از روفا، و یک بار از ابن بیطار (صاحب جامع الادویه) که به عربی است، نقل قول کرده است. هرچند سنت نقل قول از اطبای پیشین، بالاخص حکمای یونانی، در بسیاری از کتب



پزشکی مرسوم بوده است، انیس الاطباء هم از این قاعده مستثنی نیست. ابوالخیر فارسی، شعر هم می سروده، و در این کتاب نیز خواننده را از شعرش بی بهره نگذاشته است. در دو بیتی که در تشریح طبقات و رطوبات چشم به نظم کشیده، قریحه خود را نشان داده است: «و طبقات و رطوبات چشم جامع این کتاب نظم کرده و رطوبات ثلاثه در مطرع ثانی و طبقات اربعه در مصراع ثالث و نظم این است:

اولین صلب و دگربار مشیمه و شبکه      پس زجاجی و جلیدیه و بیضی ست عیان  
 عنکبوت و عنبی و قرن و دگر ملتحمه      طبقات است و رطوبات بصر نیک بدان»  
 [۳۰]

این در حالی است که وی می توانست از دو بیت کلیشه ای که در دیگر کتب تشریح فارسی وجود است استفاده کند. چراکه نظیر همین شعر را در بسیاری از کتب مشابه می بینیم: در تشریح الابدان منصور شیرازی (ص ۱۷۵) و خلاصه التشریح (ص ۱۱۶) حکیم عبد الرزاق لاهیجی شعر مزبور بدین گونه آمده است:

کرد آفریدگار تعالی به صنع خویش      چشمت به هفت پرده و سه آب منقسم  
 صلب و مشیمه، شبکه، زجاجی و پس جلید      پس بیض، عنکبوت، عنب، قرن و ملتحم

و در کتاب بدیعات اختیاری (گنجینه بهارستان، علوم و فنون ۲، پزشکی ۲، ص ۷۷) نیز این دو بیت به صورت موزون تری به نقل از حکیم محقق طوسی بیان شده است، بدین سان که:

کرد آفریدگار تعالی به فضل خویش      چشمت به هفت پرده و سه آب منقسم  
 صلبه، مشیمه، شبکه، زجاجیه و جلید      پس عنکبوت و بیض و عنب، قرن و ملتحم

و در چندین کتاب دیگر هم ذکر شده است. به نظر می رسد، ابوالخیر فارسی در بازسرایش دو بیت فوق، به این ابیات نظر داشته است.

در جای جای متن، رد پای کتاب سترگ طب دوره اسلامی، یعنی قانون ابن سینا مشهود است. هر چند خود مؤلف به صراحت به امر استفاده مستقیم از قانون اشاره نکرده، اما ساختار متن خود نشانگر این امر است. به یک نمونه بسنده می کنیم:

انیس الاطباء	قانون ابن سینا
در شناختن شریان سباتی: این دو شریان هر یک چون به گردن رسیده است، به دو بخش شده است: یک بخش به سوی	شریان سباتین: هر یک از دو شریان سباتی وقتی در مسیر خود، به گردن می رسند به دو بخش عقبی و جلوئی تقسیم

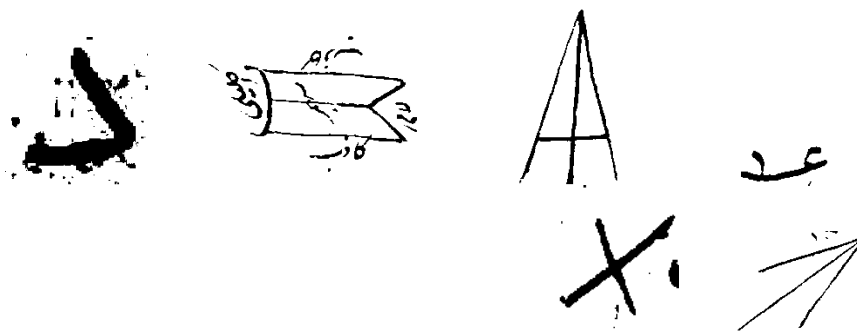
<p>می‌شوند: بخش جلوئی (سبات خارجی) نیز به دو قسم تقسیم می‌گردد که قسمتی به عمق می‌گراید و به سوی زبان و ماهیچه‌های اندرونی آرواره زیرین می‌آید و بخش دیگر در سطح پراکنده می‌شود و به سوی بخش جلوئی گوش‌ها می‌آید و به ماهیچه‌های دو گیجگاه می‌رسد و انشعابات زیادی در ماهیچه گیجگاه متفرق می‌سازد و بعد عبور می‌کند و به تارک سر می‌رود. در این محل رئوس انشعابات طرف راست و رئوس انشعابات طرف چپ بهم می‌رسند. (قانون (ترجمه شرفکنندی)؛ ج ۱؛ ص ۱۳۵)</p>	<p>پیش آمده است، و دیگر به سوی قفا شده است؛ آنچه به سوی پیش آمده است، دو شاخه شده است: یک شاخ به سوی اندرون رفته است و در زبان و عضله‌ها که در اندرون دهن است، پراکنده شده است؛ و شاخه دوم به ظاهر برآمده است و در پیش گوش و عضله‌های صدغ درآمده است و لختی شاخه‌ها از وی در زبان و این عضله‌ها بمانده و باقی شاخه‌ها بسیار گشته و به میان سر برآمده است و بر منتهای رگ‌ها که از سوی راست است برآمده است و بر انتهای رگ‌ها که از سوی چپ است، پیوسته شده است و در یکدیگر گشاده [۲۸]</p>
---	--

از دیگر کتابهای هم عصر ابوالخیر، کتاب تشریح الابدان منصوره است که رد پای این کتاب نیز در نگارش متن مورد بحث ما، کاملاً هویدا است:

تشریح الابدان منصوره	انیس الاطباء
<p>المقالة الثالثة في العضلات: چون از واجبات است که حیوان متحرک و حسّاس باشد، بنا بر آنکه او جسمی نامی حسّاس متحرک، بالإرادة، است و منبع حسّ و حرکت، دماغ است و به واسطه عصب به جمیع بدن فایض می‌شود و چون در طبیعت عصب لینی بود و تحریک اعضای ثقیله از او متعذر، حقّ - عزّ و علا - عضل را بیافرید؛ بنا بر آنکه او مرکّب است از عصب و غیر آن و در او حسّ و حرکت موجود و به واسطه ترکیب در او قوتی حاصل، به تخصیص آنکه از دماغ دور افتاده که آنجا عصب به غایت ضعیف بود؛ و عضله، عضوی است مرکّب از لیفات عصب و وتر و رباط که</p>	<p>در تشریح عضلات: چون انسان حیوان حسّاس بالاراده است و حرکت او معلوم است که از دماغ به سایر اعضا قائض می‌شود، عصب است، و عمده و اصول عصب که آن را رباط خوانند، با عصب مختلط کرده؛ چنانچه تمیز یکی از آن دیگر نتوان کرد و جوف آن را از گوشت پر ساخت تا وضع لیفات آن محفوظ بود و غشا بر سر آن پوشانند تا از خارج حس داشته باشد و از جوهر عصب آن را محوری ساخت که آن را وتر گویند، تا واسطه بود در میان عضو متحرک و عظمی که نزدیک به عضو متحرک باشد و تکیه بر عظم کرده [تا] در حالت جذب عضو متحرک از محل خود</p>

<p>باهم بافته و میان آن به لحم پر شده و پرده‌ای گرد او در آمده و فایده آن تحریک اعضاست به واسطه تشنج و استرخای آن؛ و عضله اگرچه مرکب است، از اعضای مفرده و مختلفه گرفته‌اند،... (تشریح الأبدان، ص ۱۱۷)</p>	<p>زائل نشود و این جسم را عضله گویند. هرگاه که این عضله متشنج شود، وتر متجذب گردد، و جذب عضو کند به مبدأ، و هرگاه که منبسط شود زود از مبدأ دور شود، و عضلات به قدر حرکات اعضا متحرک باشد و اشکال اعضاها مختلف بود به حسب مواضع و حاجت آن... [۲۹ر]</p>
--	---

ضمن این که اشکال موجود در بخش تشریح انیس الاطباء کاملاً از تشریح الابدان منصورى الگوبردارى شده است. همین اشکال را عیناً در تشریح الابدان منصورى مشاهده می‌کنیم:



### ۳. مختصات ادبی و سبک شناسی

#### ۳-۱. ویژگیهای زبانی و ادبی

چون مؤلف این کتاب از دانشمندان ذی فنون قرن دهم هجری بوده، و تقریباً در اغلب علوم زمان خود تألیفات دارد و یا در آثار خود به انحا و بهانه‌های مختلف وارد شده، ما به این اثر نه بعنوان صرفاً یک اثر پزشکی، بلکه بعنوان یک متن فارسی قرن نهم که مملو از ویژگیهای زبانی و ادبی آن روزگار است، خواهیم نگریند. مهمترین ویژگی متون علمی، بالاخص دانش پزشکی، استفاده از زبان آسان و راحت و همه فهم است و عاری از هر نوع لفاظی و سخن پردازی. این امر برمیگردد به اهمیت بیش از حد دانش پزشکی و کاربردی بودن آن برای همه افراد یک جامعه. متون پزشکی بسیار ساده نوشته میشدند و تا جایی که امکان داشت ساده بودند؛ به همین دلیل در آثاری از این دست، بجز اصطلاحات خاص و اسامی داروها، تقریباً واژه دشواری بچشم نمیخورد. علاوه بر آن، یکی از ویژگیهای متنی در این اثر، بکار بردن واژه های خاص است:

- بکار بردن واژگان خاص و محلی: بهندام (محکم)، زیلو (زالو)، و...
- استعمال صورت کهن واژگان: خویساندن (خیساندن)، خسپیدن (خفتن)، و...
- استعمال ترکیبات، افعال و واژگان فارسی سره بجای اصطلاحات عربی: راستاراست (مساوی)، گسستگی (تفرق اتصال)، پلید شدن ریش (متعقن شدن زخم)، گنده شدن (بد بو شدن)، بیرون خاستن چشم (تهیج)، بسیار افتادن (حادث شدن)، نارسیدگی (نضج نیافتن)، بزدايد (تمیز کند)، سوخته (مَشوی)، بیختن (سحق کردن)، و...
- ترکیب افعال دوجزئی (معین) متشکل از یک کلمه فارسی و یک کلمه عربی: تناول کردن، ترطیب کردن، زایل گشتن، نافع بودن، دلالت کردن، تباه گشتن، تدبیر کردن، و...
- استفاده از واژگان فراوان عربی و یونانی به اقتضای نامها و اسامی بیماریها و داروها و اصطلاحات خاص که به وفور دیده میشود.
- استفاده از اصطلاحات اندازه‌گیری و واحد اوزان فارسی مثلاً: کفچه، کف، مش، دانگ، و... و عربی و یونانی، مثلاً: استیر، ملعقه، مئقال، رطل، درم (درهم)، قیراط، و...
- پرهیز از تکرار مطلب و لفاظی نالازم که همواره به مباحث پیشین یا پسین ارجاع میدهد. در متن به وفور دیده میشود.
- آوردن «را فک اضافه» (حمد نامحدود قادری حکیم را سزاوار است)
- بکار بردن «ه» به جای «ت» در برخی لغات بویژه در لغات عربی (حیوه، صحه، صوره)
- آوردن «ب» تاکید بر سر افعال (بباید دانست)
- آوردن «ب» بر سر کلمات به جای «به» (بقدر، باستدعای، بعضی، بقیاس، بخارج)
- استفاده از اسامی حکمای بزرگ «بقراط» و «جالینوس»
- استفاده از لغات عربی با بسامد بسیار (اجسام متخالفه، کیفیات متضاده، روش ثمانیه، اکتساب خیر منزلین)
- استفاده از کلمه «ازان» به جای «از آن»
- عدم استفاده از یای کسره اضافه (و از نزدیک سالها رسیدگی تری کمتر شود، اما نشانها مزاج دل)
- در سرتا سر متن چند حروف است که به دو صورت نوشته نوشته شده است مثلاً: «گ» که «ک» نوشته شده مثل گردن، کردن و «د» که «ذ» نوشته شده مثل: بدان، بدان و...

### ۲-۳. نقطه گذاری و رسم نقطه:

- خصوصیت نقطه گذاری در این نسخه، اینگونه است که اگر دو حرف نقطه دار (مانند حرف «ب» و حرف «ی») در کنار یکدیگر قرار گیرند، سه نقطه در زیر کلمه تشکیل میدهند. مانند کلمه «تدبیر، طبیب» و اگر دو حرف نقطه دار (مانند حرف «ت» و حرف «ن») در کنار یکدیگر قرار گیرند، سه نقطه در بالای کلمه تشکیل میدهند، مانند: «متخالفه»

### ۳-۳. رسم حروف

روش کاتب در رسم حروف، به قرار زیر است:

- حرف «پ»، معمولاً با همان سه نقطه آمده اما گاهی اوقات با یک نقطه نوشته شده است، مانند کلمات: «پدید»، «پیوسته»، «پیه».
- حرف «چ»، معمولاً با سه نقطه کتابت میشود، و بصورت قدیم آن که با یک نقطه کتابت میشود را در این نسخه مشاهده نشد.
- حرف «گ»، سرکش ( ) ندارد و بدون سرکش، مانند حرف «ک» نوشته میشود؛ مانند کلمه «گرم»، «نارسیدگی»، «روزگار»، «مرگ».
- حرف «ت» در برخی کلمات بصورت «ة» نوشته شده و در برخی دیگر بصورت «ت» آمده است و از قاعده خاصی پیروی نکرده است، مانند: «رطوبت» که به هر دو صورت نوشته شده است.

### ۳-۴. رسم خط

رسم خط در این نسخه، در اشکال زیر، خود را نشان داده است.

- اسم اشاره «آن» و «این» این اسامی اشاره، بصورت متصل به کلمه قبل از خود متصل میشود. مانند «ازین»، «زان»
- حذف الف میانی در کلمات مرکب مانند: «درین» به جای «در این»، «ازو» به جای «از او»، «زین» به جای «از این»
- کلمه «است»، گاهی بشکل کامل (است) و گاهی بدون «الف» (ست)، دیده میشود. قاعده خاصی برای این تغییرات نمیتوان بدست آورد. مانند: «غذای حقیقی خون است»، «خون غیر طبیعی دو نوع است»
- حرف اضافه «به»، معمولاً بشکل «ب» به کلمه بعد از خودش، متصل میگردد، مانند: «مزاج او بسردی مایل بود یا بخشکی یا بهر دو»
- اسمهایی که به حرف «ه» ختم میشوند، هنگامی که با علامت «ها»، از حالت مفرد به حالت جمع تبدیل میشوند، حرف «ه» را از دست میدهند؛ مانند: «اندیشهها».
- حرف اضافه «که» بعنوان موصول و حرف ربط اگر به کلمات «چنان»، «آن»، «بدان» و «زیرا» متصل شده باشد، شکل ظاهر خود را حفظ کرده و بصورت «چنانکه»، «آنکه»، «بدانکه» میآید و بصورت شکل قدیمی «چنانک» نیامده است.
- علامت مفعول «را» علامت مفعول، در بیشتر موارد، با کلمه قبل از خود، یعنی با مفعول، ترکیب شده است. مانند: «و آنرا بپوشند»
- بکار بردن حرف «را» فک اضافه، بعنوان نمونه در شروع کتاب (حمد نامحدود قادری حکیم

را سزاوار است)

### ۳-۵. رسم علائم - علامت گذاری

#### ۱-۳-۵. علائم دستوری - الفبایی

- حرف «آ» به هم بصورت «آ» یعنی با علامت مد و هم بصورت «ا» یعنی بدون علامت مد بکار رفته است، مانند: «آنکه قانون شریفش»، «از افادات آن حضرت یکی آنست که...» یا کلمه «آنکس» که به هر دو شکل آمده است.

- بیشترین حالت علامت همزه، در اشکال زیر نمودار شده است :

اول، بعنوان علامت اضافه ( ) . مانند: «اطباء روزگار»

دوم، علامت وحده «یا نکره» در کلماتی که به حرف «الف» و حرف «ه» و علامت همزه «ء» ختم شده باشد.

سوم، قرار گرفتن همزه «ء» رو کلمات «دوم» و «سیوم»

- علامت سرکش ( ) معمولاً روی حرف " گ " ، همانطور که پیشتر اشاره شد، در این نسخه دیده نمیشود.

- علامت تشدید ( ) روی بسیاری از کلمات قرار دارد و کاتب خود را ملزم به نوشتن آن میدانسته است.

#### ۲-۳-۵. علائم تصویری ( غیر الفبایی - دستوری )

- این علائم بیشتر توسط کاتب به نسخه اضافه میشود و خوانندگان کمتر در آن دخالت داشته اند. در این نسخه، علائمی وجود دارد که عبارتند از:

- کاتب عناوین، قولها، فصلها و بابهای کتاب را با رنگ قرمز نوشته که یکی از خصوصیات بارز این نسخه محسوب میشود .

- کاتب در حاشیه برگهای نسخه عناوین فصلها و بابها و نکات مهم را یادداشت کرده که در پیدا کردن مطالب کمک شایانی به خواننده میکند .

- استفاده از تصویر و اشکال در متن جهت توضیح مطلب که چند موردی دیده میشود

#### نتیجه گیری:

- تصحیح این نسخه به شناخت بیشتر متون نثر علمی در دوره صفویه کمک میکند. نهایتاً اینکه تصحیح انیس الاطبا یک متن ادبی، پزشکی را به جامعه معرفی میکند.

- انیس الاطباء نه بعنوان یک رساله پزشکی بلکه بعنوان یک متن فارسی قرن نهم که مملو از ویژگیهای زبانی و ادبی دوره صفویه است از اهمیت بالایی برخوردار است.

استفاده از زبان آسان و راحت و همه فهم و عاری از هر نوع لفاظی و سخن پردازی در این رساله مشهود است و علت آن هم بخاطر کاربردی بودن این رساله است. این زبان به تحقیقات سبکی زبان فارسی و تحول آن کمک میکند.

- مؤلف در این کتاب اسامی بعضی از اطباء را آورده و از ایشان نقل قول نموده است که از حیث شناسایی برخی پزشکان معاصر خویش بسیار حائز اهمیت است.

- این نسخه از نظر پزشکی نیز یک دوره کامل طب بالینی بر اساس دانش پیشینیان و تجارب خود مؤلف را در اختیار پژوهشگران قرار میدهد.

- این کتاب مشتمل بر روشهای درمانی و تجویز داروها و مجربات مؤلف است که میتواند در طب سنتی و پزشکی سودمند باشد.

#### منابع:

- فاروقی، ع (۱۳۴۵)، ، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، شماره دوم و سوم، سال دوم آداب السلطنه، ۱-

- امین، سید محسن (۱۹۴۴)، ، بیروت، دارالمعارف المطبوعات، ج ۹، اعیان الشیعة ۲-  
- الذریعة الی التصانیف الشیعة ، آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳) چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی ، بیروت ، ج ۱-۲-۳-۴-۵-۷-۸-۱۵

- انیس الاطباء، ابوالخیر فارسی، تقی الدین محمد بن محمد، نسخه خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، نسخه شماره ۲۵۱۰، کتابت قرن ۱۱ هـ

- همان، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۱۹۵۰۷، کتابت قرن ۱۳ هـ

- همان، نسخه خطی کتابخانه بانکپور هند، نسخه شماره ۹۸۴، کتابت قرن ۱۰ هـ

- همان، نسخه خطی کتابخانه شخصی سید ابوالفضل سعیدی یزد، کتابت قرن ۱۱ هـ

- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، نفیسی، سعید (۱۳۶۳) ، تهران، ج ۱

- حل التقویم، ابوالخیر فارسی، تقی الدین محمد بن محمد (۱۳۴۹)، ، چاپ تقی بینش ، در فرهنگ ایران زمین ، ج ۱۷

- دانشمندان و سخن سرایان فارس، آدمیت، محمد حسین رکن زاده (۱۳۸۰)، تهران، خیام، ج ۱، دفتر نشر برگزیده

مبشر الطرازی، نصرالله (۱۹۶۶) قاهره، ج ۱۱-۱۱-دارالکتب، فهرس المخطوطات الفارسیه،

- دایره المعارف بزرگ فارسی، فاضل هاشمی، سیدمحمد رضا، ، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، ج ۵، ذیل مدخل "ابوالخیر فارسی"،  
- در زمینه ایرانشناسی، "آداب سلطنه و وزارت"، پهلوان، چنگیز (۱۳۶۸)، تهران، زمستان  
قربانی، ابوالقاسم (۱۳۶۵)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱ ، زندگی نامه ریاضیدانان دوره  
اسلامی ۱۴-  
- رساله در معرفت اسطرلاب ، ابوالخیر فارسی، تقی الدین محمدبن محمد، نسخه خطی  
کتابخانه (شماره ۱) مجلس شورای اسلامی ، ش ۴۳۴۲؛  
- ریحانه‌الادب، مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۴۶)، ، تبریز، مشفق، ج ۷  
- شرح رساله هیئت ، ابوالخیر فارسی، تقی الدین محمدبن محمد، نسخه خطی کتابخانه  
(شماره ۱) مجلس شورای اسلامی ، ش ۶۳۰۵؛  
- طبقات اعلام الشیعه (۱۳۶۶)، احیاء الدائر من القرن العاشر، زیر نظر علی نقی منزوی ، تهران،  
دانشگاه تهران  
- طالع نامه ، ابوالخیر فارسی، تقی الدین محمدبن محمد نسخه خطی کتابخانه ملی ملک،  
ش ۳۴۵۶؛  
- فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس، شیراز، بهرورزی، علی نقی و محمد صادق فقیری  
(۱۳۵۱)، انجمن کتابخانه های عموم ی شیراز، ج ۱ و ۲  
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، حائری ، عبدالحسین (۱۳۳۵) تهران ، ج ۴  
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، حائری ، عبدالحسین (۱۳۵۰) تهران، ج ۱۹  
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی ، حسینی  
اشکوری، احمد (۱۳۳۵) قم، ج ۲  
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد، فاضل، محمود (۱۳۶۷)، مشهد،  
ج ۳  
- فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس، فکرت، محمد آصف (۱۳۶۹)  
مشهد، کتابخانه آستان قدس  
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه  
تهران، دانش پژوه ، محمدتقی (۱۹۶۱)، تهران ،  
- فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی تهران، بها الدین علمی انواری (۱۳۴۷) ، تهران، ج  
۱ و ۲  
- فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ، و (۱۳۵۹)، ، تهران، کتابخانه مجلس  
شورای اسلامی، ج  
- فهرستواره دست نوشته‌های ایران، تهران، درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، موزه و مرکز اسناد



- مجلس شورای اسلامی، ج ۲
- فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، عرفانیان، غلامعلی (۱۳۷۰)، مشهد، ج ۱۲
- فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، عرفانیان، غلامعلی (۱۳۶۰)، مشهد، ج ۱۰
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد، فاضل، محمود، (۱۳۶۷)، مشهد، اداره حج و اوقاف مشهد، ج ۳
- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، گلچین معانی، احمد (۱۳۵۰)، مشهد، سازمان امور فرهنگی و کتابخانه ها، ج ۸
- فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، احمد (۱۳۷۴)، تهران، دایره المعارف بزرگ اسلامی
- فهرست نسخه های خطی فارسی (۱۳۴۸)، منزوی، احمد، تهران، موسسه فرهنگی منطقه تی، ج ۱
- فهرست نسخه های خطی مسجد اعظم قم، آدمیت، محمد حسین رکن زاده ۱۳۸۹ قم، برگزیده، ج ۳
- فهرست نسخه های خطی مسجد اعظم قم، آدمیت، محمد حسین رکن زاده ۱۳۸۸، قم، برگزیده، ج ۲
- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۳۶۲)، بیروت، وکالت المعارف الجلیله، ج ۲
- گاهنامه، طهرانی، سید جلال الدین (۱۳۵۰)، تهران، مطبعه مجلس
- نشریه نسخه های خطی دانشگاه تهران، دانش پژوه، محمد تقی و ایرج افشار (۱۳۴۴)، ج ۴، تهران، دانشگاه تهران
- نسخه خطی کتابخانه مسجد اعظم قم - شماره ۲۴۷۳ - کتابت قرن ۱۰ هـ ابوالخیر فارسی، تقی الدین محمد بن محمد